

دومین میزگرد مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و مؤسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل روسیه

دومین میزگرد مشترک دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و مؤسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل روسیه در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ در مسکو برگزار شد. جناب آقای دکتر آهنی معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه ضمن ایراد سخنرانی در افتتاحیه میزگرد، در آکادمی دیپلماتیک روسیه نیز حضور یافته و پس از ملاقات با رئیس آکادمی، در جمع محققان، دانشجویان و دیپلمات‌های آکادمی به تشریح دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال مهمترین تحولات حوزه پیرامونی پرداخته و به سؤالات حاضران پاسخ داد. ایشان همچنین با برخی مسؤولان روسی در خصوص مسائل مورد علاقه مذاکره نمود.

پروفسور الکساندر دینکین رئیس مؤسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل روسیه در سخنان خود گفت: روسیه برای روابط دوجانبه با ایران اهمیت زیادی قائل است و در نظر داریم روابط با ایران را تقویت نماییم. بحث تروریسم و عادی‌سازی شرایط در افغانستان با مشارکت ایران و روسیه مسأله‌ای مهم است. جهان امروز در شرایط بحرانی قرار دارد. امکانات بعضی کشورها و افزایش قدرت برخی قدرت‌های منطقه‌ای شرایط را برای آمریکا محدود کرده است. تغییر دولت در آمریکا در روابط بین‌الملل تأثیر داشته است. به طور طبیعی استراتژی قبلی نمی‌تواند ادامه یابد. امیدواریم در مورد تسلیحات استراتژیک در مسکو به توافق برسیم.

منافع ایران در عراق و افغانستان مورد توجه روسیه است. ما همچنین از روند روابط ایران و ارمنستان ابراز

در جلسات سه‌گانه میزگرد که تحت عناوین تحولات جهانی و پیامدهای آن در روابط ایران و روسیه، اوضاع افغانستان و پاکستان و تأثیرات آن در امنیت ایران و روسیه و روند روابط دوجانبه ایران و روسیه برگزار گردید، به ترتیب آقایان مرادی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، کلانتری رئیس مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و صدوری رئیس اداره اول مشترک المنافع به تشریح دیدگاه‌های خود پرداختند و از روسیه نیز آقایان دکتر الکساندر پیکایف مدیر بخش خلع سلاح، پروفسور گنادی چوفرین کارشناس ارشد و عضو شورای مدیریت و دکتر سرگی آفونتسف مدیر بخش اقتصادی مؤسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل به ترتیب مطالب خود را ارائه نمودند.

خوشنودی می‌کنیم. غربی‌ها معتقدند که روسیه می‌خواهد مقابله بین ایران و اروپای غربی ادامه یابد در صورتی که ما با این مسأله موافق نیستیم. ممانعت از سردی روابط ایران با آمریکا بر روابط بین‌الملل تأثیر خواهد گذاشت. بهبود رابطه ایران و آمریکا به شرکت‌های روسی امکان می‌دهد تا فعالیت بیشتری در ایران داشته باشند و از فعالیت آنها جلوگیری نشود. بهبود رابطه تهران و واشنگتن بر مسایل منطقه‌ای در پاکستان و افغانستان نیز تأثیرگذار است.

روسیه به هیچ وجه با عملیات نظامی علیه ایران موافق نیست که این امر می‌تواند نتایج فاجعه باری به همراه داشته باشد. روسیه حق ایران را به رسمیت می‌شناسد تا پروژه بوشهر به اتمام برسد.

سپس جناب آقای دکتر آهنی در بخش‌هایی از سخنرانی خود اظهار داشت: نگاهی به تاریخ روابط دیرینه ایران و روسیه مؤید آن است که سطح کنونی روابط در تاریخ مناسبات دو کشور بی‌سابقه است. تهران و مسکو با اتکا به ظرفیت‌ها و منافع مشترک، روابط فی‌مابین را بیش از پیش توسعه داده و به درک مشترک در قبال مهمترین موضوعات موجود در صحنه جهانی و منطقه‌ای ناقل شده‌اند. البته باید اذعان داشت که ظرفیت‌های توسعه روابط دو کشور همسایه در حوزه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و دو جانبه بسیار وسیع‌تر از وضعیت کنونی است که امیدواریم با بهره‌گیری شایسته از این ظرفیت‌ها، به شرایط مطلوب نائل شویم.

تحولات و روندهای کلان بین‌المللی و منطقه‌ای در یک دهه گذشته شرایط خاصی را برای دو کشور ایران و روسیه فراهم کرده است که برآیند آن، تقویت جایگاه و ارتقای نقش بین‌المللی و منطقه‌ای فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران با اتکا به موقعیت استراتژیک، ظرفیت‌های ملی، ثبات

داخلی و بهره‌گیری از پیوندهای گسترده خود با دولت‌ها و ملت‌های منطقه، به یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین قدرت‌های منطقه با جایگاهی ویژه تبدیل شده است به نحوی که حل و فصل مسائل و مشکلات منطقه جز با همکاری با جمهوری اسلامی ایران میسر نیست.

در سطح بین‌المللی، ناکارآمدی نظام ادعائی تک‌قطبی اکنون به اثبات رسیده است. نظام بین‌المللی جدید بایستی مانع از توسعه طلبی و یکجانبه‌گرایی قدرت‌های بزرگ و سوء استفاده سیاسی و بهره‌برداری یکطرفه و منفعت‌طلبانه از سازمان‌های بین‌المللی در خدمت سیاست خارجی یک کشور یا یک قدرت خاص گردد.

یکی از مهمترین حوزه‌های همکاری میان دو کشور، موضوعات منطقه‌ای است. نفوذ جمهوری اسلامی ایران و نقش موثر آن در استقرار ثبات و آرامش در خاورمیانه، خلیج فارس، آسیای غربی و آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی غیر قابل انکار است. نکته حائز اهمیت آن است که مناطق بحرانی عمدتاً در همسایگی بلافصل ایران و روسیه قرار داشته و امنیت مرزهای هر دو کشور را تهدید می‌کنند.

در خصوص برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران، گرچه روسیه همواره در جلسات شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت تلاش نموده تا از شدت و وسعت تحریم‌ها بکاهد اما همراهی روسیه با آمریکا و اروپا در اعمال فشار بر ایران برای انصراف از حق قانونی خود در غنی‌سازی صلح آمیز اورانیوم و موافقت با ارجاع موضوع به شورای امنیت، به طور جدی مورد سؤال افکار عمومی در جمهوری اسلامی ایران است و آن را غیر قابل قبول و غیر قابل توجیه می‌دانند.

سپس جلسات سه‌گانه همایش آغاز شد. در جلسه نخست که با عنوان تحولات اخیر جهانی و تأثیر آن در روابط ایران و روسیه، به ترتیب آقایان الکساندر پیکایف و منوچهر مرادی به ارائه مطلب پرداختند. آقای پیکایف اظهار داشت: ورود اوباما به حکومت آمریکا انتظارات زیادی را ایجاد کرد. رئیس‌جمهور جدید آمریکا پدیده جدیدی است و می‌تواند تأثیر زیادی بر کشورهای آفریقایی و در حال توسعه بگذارد. مطلب دوم این است که انتخاب اوباما موجب اختلاف شدید در جامعه آمریکا شده است. در نظر سنجی‌ها دموکرات‌ها اعمال اوباما را تأیید می‌کنند اما بقیه هیأت حاکمه او را تأیید نمی‌کنند. کنگره تلاش می‌کند تا در سیاست خارجی آمریکا وارد شود. همان‌طور که انگلیسی‌ها گفتند یک فرصت ۱۵ ماهه وجود دارد. مطلب سوم این است که اوباما سعی می‌کند در سیاست خارجی فاصله با دولت بوش را کاهش دهد.

در مورد ایران دولت کلینتون تصمیم مهم و مشکلی را گرفت و وحشت داشت که با ایران مذاکره کند. اما اوباما تصمیم گرفت این کار را آغاز کند که در نتیجه، این امر می‌تواند موجب ثبات در منطقه شده و در عراق و افغانستان مفید باشد. ایران در منطقه اقتدار پیدا کرده است. مذاکره با ایران باعث موفقیت دیپلماسی می‌گردد. ایران باید در جهت منافع خود عمل نماید. آمریکا در بن‌بست افغانستان و عراق درگیر است. آمریکا از شکست در منطقه هراس دارد و مذاکره آنها با ایران اجتناب‌ناپذیر است. بدون ایران خروج از بن‌بست عراق مشکل است و آمریکا در مذاکره با ایران موضع ضعیفی دارد. آمریکا در مسائل زیادی به ایران نیاز دارد. بحث هسته‌ای، حمایت از حزب‌الله مسایل مشکلی است و توازن قوا به سود آمریکا تغییر نیافته است.

البته در چشم‌انداز جهان چند قطبی فراز و نشیب‌های زیادی می‌تواند وجود داشته باشد. در کوتاه مدت، خروج آمریکا از عراق فرصت‌های ایران را افزایش خواهد داد. این فرصت برای آمریکا هم بیشتر خواهد شد و نیروهای آنها آزاد می‌شوند و ممکن است موجب تقویت موضع آمریکا علیه ایران و استفاده از روند زور علیه آن شود که برای ایران نامطلوب است. در کوتاه مدت زمان به نفع آمریکا پیش می‌رود. روسیه و ایران ممکن است با آمریکای متمرّد مواجه شوند. باید تلاش کنیم مصالحه ایجاد کنیم.

سخنران دوم این جلسه، آقای مرادی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز بود که به بعد بین‌المللی روابط ایران و روسیه و تلاش آمریکا برای تأثیرگذاری در روابط ایران و روسیه پرداخت. ایشان بعد بین‌المللی روابط را به دلایل تاریخی و موضوعی حائز اهمیت دانسته و غالب موضوعات موجود در دستور کار روابط دو کشور را دارای ماهیت بین‌المللی ارزیابی نمود. بنابراین تأثیر و نقش بعد بین‌المللی و دخالت قدرت‌های ثالث در روابط، موضوع جدیدی نیست و در شرایط جاری نیز تلاش آمریکا بر آن است تا به طرق مختلف بر روابط ایران و روسیه تأثیر بگذارد لکن توفیق در این سیاست به سه عامل مهم یعنی نگاه آمریکا به روسیه، گفتمان جدید اوباما با ایران و اهمیت روابط با ایران برای روسیه بستگی دارد. در خصوص عامل نخست، آمریکا هنوز بر سر مسأله چگونگی رفتار با روسیه بر سر دوراهی است و مخالفان و موافقان هریک نسبت به رفتار آمریکا با روسیه استدلال خود را مطرح می‌کنند. مخالفان معتقدند باید در مقابل روسیه ایستاد زیرا روسیه در پی اعاده موقعیت ابرقدرتی عصر جنگ سرد است و موافقان یا واقع‌گرایان معتقدند باید رابطه بهتری با روسیه برقرار نمود. از دیدگاه آنان،

آمریکا برای حل مسائلی نظیر امنیت بین‌المللی و مقابله با تهدیداتی همچون سلاح کشتار جمعی، تروریسم و افراط‌گرایی می‌بایست رابطه جدیدی را با روسیه برقرار نماید. با این حال، این دیدگاه معطوف به تأمین منافع منطقه‌ای و جهانی آمریکا است که با نگاهی ابزاری به روسیه می‌نگرد. نکته اساسی این است که حوزه‌های مورد علاقه آمریکا برای همکاری با روسیه چندان برای روسیه حائز اهمیت استراتژیک نیست زیرا نگرانی‌های روسیه در قبال آمریکا موارد دیگری است. مهمترین نگرانی روسی، ساختار امنیتی موجود در اروپا است که به زعم مسکو همچنان ساختار جنگ سرد است. روسیه در پی تغییر ساختار امنیتی اروپا و تعریف مجدد جایگاه روسیه در آن است و آمریکا آمادگی تغییر این ساختار را ندارد. از سوی دیگر، فضای کلی روابط منفی است و اختلافات حل نشده بین دو کشور بسیار است. کاراگانف معتقد است که در طول ۳۵ سال گذشته، تنها در فاصله سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۴ رابطه دو کشور از وضعیت کنونی بدتر بوده است. ممکن است دو کشور در برخی مسائل به لحاظ تاکتیکی مانند تروریسم، خلع سلاح اشتراک نظر داشته باشند. اما دو کشور در استراتژی اختلاف دارند. در روسیه هم هر چند از روی کار آمدن اوباما استقبال شده است لکن نسبت به سیاست‌های جدید آمریکا شک و تردید وجود دارد. در مورد عامل دوم یعنی گفتمان جدید دولت آمریکا نسبت به ایران، به دلیل آن که ایران هم اکنون به عنوان کشوری دارای نفوذ و یک قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا و خاورمیانه محسوب می‌شود، آمریکا خود را ناچار به تغییر رفتار نسبت به ایران دیده است. این رویکرد سه ویژگی دارد: معطوف به منافع ملی آمریکا است، مبتنی بر نیاز آمریکا به ایران است و برای تحقق آن مسیر تعامل و گفتگو با ایران به عنوان خط مشی مناسب انتخاب شده

است. بنابراین به نظر می‌رسد آمریکا در قبال ایران، بازی دوگانه‌ای را در پیش گرفته که از یک سو با فشار بر روسیه سعی در محدود کردن روابط تهران - مسکو دارد و از سوی دیگر تلاش دارد تا مشکلات خود با ایران را به صورت دوجانبه حل و فصل نماید.

در مورد عامل سوم یعنی اهمیت روابط با ایران برای روسیه، اهمیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه‌ای که برای روسیه بسیار حائز اهمیت است، ایران به عنوان یک کشور کلیدی در منطقه و جهان اسلام مطرح است. روسیه همچنان در مهمترین موضوعات منطقه‌ای نظیر خزر، افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز و مبحث انرژی که برای روسیه حائز اهمیت حیاتی است به ایران نیازمند است. لذا اهمیت روابط با ایران برای روسیه به دلایل ژئوپلیتیک و اقتصادی مانع از هر گونه معامله روسیه با غرب بر سر ایران خواهد شد. روسیه باید به پاسخ این سوال بیندیشند که از همکاری با آمریکا علیه ایران چه بدست خواهد آورد و چه از دست خواهد داد؟

جلسه دوم میزگرد به تحولات افغانستان و پاکستان اختصاص پیدا کرد و دو سخنران یعنی آقایان گنادی چوفرین و جلال کلانتری به ارائه مطلب پرداختند. ابتدا آقای چوفرین هدف آمریکا در افغانستان را ایجاد یک سکوی راهبردی از سوی آمریکا برای اعمال فشار بر ایران در شرایط خاص ذکر کرد. تأثیر جدی بر تحولات آسیای مرکزی و اعمال نفوذ در مسیرهای حمل و نقل و ذخایر انرژی از دیگر اصول مهم راهبردی آمریکا بود. هم‌زمان با تحولات، مسأله تهدیدات هسته‌ای بود که آمریکا آشکارا اعلام می‌کند تهدید هسته‌ای در پاکستان است. اکنون مناقشه به پاکستان منتقل می‌شود. وضعیت باعث شده تا آمریکا از نوعی استراتژی که AFGPAK نام گرفته است در افغانستان پیروی کند. آمریکا با استفاده از

ابزار مختلف و با افزایش تعداد نیروهای نظامی، حمایت مالی از افغانستان، برقراری گفتگو با بخش‌های متعادل طالبان، مذاکره با حکومت کابل و رهبران قبایلی که موضعی خنثی دارند، تلاش می‌کنند ائتلافی را از کشورهای آسیایی تشکیل دهند که فعالانه در رفع تهدیدات فعال باشند. کار دیگر آمریکایی‌ها تغییر کادر در بین نظامیان آمریکایی است اما این اقدامات هیچ تغییری در بهبود وضعیت آمریکا ایجاد نکرده است. آمریکا باید بپذیرد که افغانستان یک کشور متمرکز نخواهد بود و رهبران مستقل در برخی مناطق حضور داشته باشند. آمریکا به طور عینی باید تلاش کند تا با دیگر کشورها رابطه برقرار کند و با روسیه این مذاکرات در حال انجام است و گفته می‌شود که اوباما در پی مذاکره مستقیم با ایران است. این موضوع می‌تواند موضوع مورد بحث بین ایران و آمریکا باشد. با تلاش جمعی می‌توان به اهداف قابل دسترسی نائل شد.

سخنران دوم این جلسه، آقای کلانتری با عنوان "بحران افغانستان و پاکستان و لزوم تدوین راهبرد مشترک منطقه‌ای" به تشریح وضعیت افغانستان و پاکستان پرداخت و گفت: در افغانستان، ادامه و تشدید وضعیت خطرناک امنیتی با گسترش دامنه نفوذ طالبان و القاعده به پایتخت، شکست استراتژی نظامی آمریکا در افغانستان، شکست سیاست مبارزه با مواد مخدر به علت عدم انسجام و عدم جدیت نیروهای خارجی و بهره‌برداری‌های خاص خود، روند رو به گسترش یأس و ناامیدی مردم به بهبود اوضاع، معضلات امنیتی در ناحیه مرزی دو کشور افغانستان و پاکستان و گسترش تروریسم و افراط‌گرایی از مهمترین شاخصه‌های حیات سیاسی و اجتماعی این کشور است.

استراتژی نظامی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۲، عامل عمده شکست غرب در افغانستان است. این نگاه در استراتژی جدید تعدیل شده است. توجه به علل عدم موفقیت غرب طی ۷ سال گذشته، پرداختن یکپارچه به معضل افغانستان و بحران پاکستان، نگاه جمعی به حل و فصل آن از نکات مهم این استراتژی است. آمریکا به دنبال تقسیم هزینه‌های خود در افغانستان و پاکستان با شرکای خود و کشورهای منطقه است. پیشبرد این هدف نیازمند توجه جدی به ملاحظات کشورهای منطقه می‌باشد.

در مورد پاکستان، محاسبات غلط آمریکا و پاکستان و برخی کشورهای عربی در تشکیل و حمایت از طالبان عامل بحران کنونی پاکستان است و افزایش قدرت طالبان و گسترش حوزه جغرافی نفوذ آن در پاکستان از جمله ایالات سند، پنجاب و بلوچستان هشدار دهنده است.

توجه به همه اقشار جامعه و توزیع امکانات مساوی میان استان‌ها و اجرای سیاست‌های مردم‌مدار، تمرکززدایی و اعطای اختیارات به مقامات محلی، توجه به واقعیات سیاسی و فرهنگی جامعه افغانستان با توجه به تحولات سال‌های اخیر، توجه به انتخابات آتی ریاست جمهوری افغانستان در ۲۰ اوت ۲۰۰۹، لزوم برخورد جدی به مبارزه با مواد مخدر و جلوگیری از حمایت‌های سوداگرانه برخی عوامل دولتی با قاچاقچیان مواد مخدر، لزوم اجرای تعهدات کشورها در امر بازسازی افغانستان و اجرای پروژه‌های اولویت‌دار از طریق هماهنگ کردن سیاست‌های مربوط به بازسازی در سطح محلی و کشوری، افزایش توان دولت در نظارت دقیق‌تر به کمک‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در امر بازسازی افغانستان، توجه جدی به همکاری‌های منطقه‌ای و ظرفیت‌های کشورهای منطقه در کمک به حل و فصل معضلات افغانستان و ملاحظات مشروع آنها، قطع حمایت‌های مالی از طالبان و القاعده

ازسوی برخی کشورهای عربی، از مهمترین راهکارهای حل مسائل افغانستان می‌باشند.

آخرین جلسه میزگرد به بررسی روابط دو جانبه ایران و روسیه اختصاص داشت که ابتدا آقای محمود صدیقی رئیس اداره اول مشترک المنافع اظهار داشت: در دهه‌های اخیر به‌رغم فراز و نشیب‌ها، روابط دو کشور رو به بهبود بوده است. فروپاشی شوروی زمینه‌های همکاری دو جانبه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و همچنین همکاری مشترک چند جانبه را در دریای خزر و قفقاز و آسیای مرکزی و افغانستان بوجود آورد و روابط مسکو و تهران را هم در وسعت رایزنی‌های سیاسی و رشد مبادلات اقتصادی و تکنولوژی متحول کرد و هم باعث همکاری متقابل سودمند در ارتباط با تاجیکستان و دریای خزر شد. اگرچه مبادلات اقتصادی دو کشور به رقم سه میلیارد و سیصد میلیون دلار رسیده است اما ظرفیت‌های فراوان زیادی با توافقات و قراردادهای مقامات اقتصادی و تجاری و نظامی به وجود آمده است که می‌تواند حجم مبادلات تجاری و تکنولوژی را بیش از پیش افزایش دهد.

با عنایت به مطالب فوق و با استفاده از تجربه گذشته، در شرایط فعلی ضروری است دو کشور بیش از گذشته با بازشناسایی حوزه‌های منافع مشترک و موازی فیمابین، زمینه‌های همکاری دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی را باز تعریف و نقشه راه توسعه بلند مدت و بنیادی را تدوین نمایند. رشد مبادلات سیاسی و اقتصادی و تجاری و ارتقای همکاری‌های تکنولوژی و دفاعی مستلزم آن است که تفاهات و موافقتنامه‌ها رنگ سیاسی نگیرد و صرفاً در چارچوب منافع ایران و روسیه به آن نگاه شود.

آخرین سخنران میزگرد، آقای آفونتسوف بود که به موضوع تجارت روسیه با ایران، روندها و چشم انداز آن اشاره نمود. وی اظهار داشت که سه عامل در روابط مؤثر

است. دو عامل مثبت یعنی طرح اوپک گازی و اتمام ساخت نیروگاه بوشهر و عامل سوم بحران بین‌المللی است که منفی می‌باشد. آقای آفونتسوف با ارائه آمار متعدد در تشریح حجم روابط تجاری ایران و روسیه گفت: عامل بعدی، بحران مالی جهانی است که ضربه شدیدی به اقتصاد روسیه وارد کرده است، البته تجارت ایران و روسیه را زیاد تحت تأثیر قرار نداده است. وی مشکلات و عوامل بازدارنده در روابط اقتصادی ایران و روسیه را عامل سیاسی و محدود شدن انگیزه شرکت‌های روسی برای فعالیت در ایران از یک سو و عامل کشورهای همسایه مستقل مشترک‌المنافع و چین را از سوی دیگر مطرح کرد و گفت: باید از روابط تجاری حداکثر استفاده را نمود. پیشنهاداتی در این خصوص وجود دارد؛ در مرحله اول توسعه زیرساخت‌های تجارت خارجی، تقویت کریدور حمل و نقل فرا خزری، برداشتن مشکلات اداری جهت تقویت صادرات ایران به روسیه می‌باشد. مرحله دوم در روابط دو جانبه بیشتر مربوط به ارزیابی ظرفیت‌های تجاری است. یعنی باید دید کالاهای دو کشور چقدر رقابت‌پذیرند. در این زمینه باید فعالیت نماییم و مشکلات را حل کنیم. مرحله سوم، رفع فشارهای خارجی بر دو کشور است. شرایط برای توسعه روابط خارجی دو کشور مهم است.

در پایان همایش، سؤالات متعددی از سوی حضار در خصوص برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران، موضع ایران در قبال پیشنهاد روسیه مبنی بر غنی‌سازی مشترک اورانیوم، روابط ایران و کشورهای ۵+۱، مسایل افغانستان، روابط ایران و آمریکا مطرح شد که پاسخ متقاضی داده شد.

امیر رضایی

مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز